

در بحبوحه تبلیغات نامزدهای انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا، در محافل سیاسی و اجتماعی ایران عدہای از شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی به ریاست‌جمهوری هیلاری کلینتون دل‌خوش کرده بودند و به پیروزی او امیدوار بودند و روزنامه‌های زنجیره‌ای بیشتر تیتراها و مقالات و تفسیر و تحلیل‌های خود را به تخریب دونالد ترامپ و به طرفداری از هیلاری کلینتون انتخاب می‌کردند. «جریان غریزه» و «واپس‌گرایان مدرن» در داخل جمهوری اسلامی چنان وانمود می‌کرد که در صورت پیروزی حزب دموکرات در انتخابات آمریکا، ایران رابطه خوبی با آمریکا خواهد داشت و می‌توان از فرصت انتخاب شدن دموکرات‌ها در یک فضای به دور از افراط و تنش و در زمان پساپرجام، اختلافات و مناقشات باقیمانده بین ایران و آمریکا را حل کرد غافل از آنکه اختلاف آمریکا با جمهوری اسلامی بسیار عمیق‌تر از چند هزار سالنرینه‌یوژ و چند موشک بالستیک بود بطوری که بعد از حل مساله هسته‌ای، اوپامای «سودب و باهوش» به تعهدات برجامی عمل نکرده هیچ، تحریم‌های جدیدتری را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرد. روشنفکران سیاسی و تئوریسین‌های نزدیک به دولت که از انتخاب ترامپ بیکه خورند هرچند به صورت آشکار ترس خود نسبت به پاره کردن برجام توسط ترامپ را بیسان نمی‌کردند اما در لافچه از این اقدام ترامپ در هراس بودند تا مبادا ترامپ پس از انتخاب شدن برجام را پاره کند و تمام رشته‌های این «لیبرال‌های غریزه» را پنبه کند، چرا که از نظر این «روشنفکران لیبرال» مشکلات کشور اعم از داخلی و خارجی با مذاکره با آمریکا قابل برطرف کردن است و حل مشکلات کشور را در گرو پیروزی هیلاری کلینتون دموکرات می‌دیدند در حالی که این توقع سراسر پوچ و توخالی بود، چرا که این انتظار «روشنفکران مرتجع» از کسی که خود تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران را وضع کرده، دور از عقل و منطق است. همین طیف سیاسی با ساختن چهره هیولایی از ترامپ و موجه جلوه دادن هیلاری کلینتون به تعبیر خود بین «بد» و «بدتر»، «سده» را انتخاب می‌کردند اما ترجیح دموکرات‌ها به جمهوری‌خواهان نشان از آلتزایم سیاسی لیبرال‌ها و وابستگان درون حکومت و چشم بستن این جریان سیاسی روی جنایات آمریکا در تمام دوران‌ها چه در دوران دموکرات‌ها و چه جمهوری‌خواهان علیه ملت ایران و جمهوری اسلامی بوده است.«جریان غیرنقابان درون نظام» با ارائه تحلیل‌ها از سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی، تحلیل‌های غلطی را به‌افکار عمومی جامعه روانه کردند تا بتوانند برای جریان سلازش فضای مساعدی را به وجود بیاورند به همین دلیل به تحریم‌های وحشیانه و به تعبیر هیلاری کلینتون «تحریم‌های فلج‌کننده» که در دوران وزارت خارجه هیلاری کلینتون علیه ملت ایران اعمال شد اشاره نکردند تا ذهنیت ملت ایران را نسبت به این چهره دموکرات تغییر دهند. با



چرا به‌رغم تاریخ پر جنایت هر دو حزب اصلی آمریکا برخی در ایران به پیروزی دموکرات‌ها دل بسته بودند؟

امید به الاغ‌ها، وحشت از فیل‌ها

- امیرحسین حسینی**

بررسی سابقه روابط ایران و آمریکا به خوبی می‌توان دید که آمریکا در قبال ملت ایران همواره سیاست سختگیرانه یکسانی داشته‌است است از دولت آیزنهاور جمهوری‌خواه که علیه دولت قانونی مصدق کودتا به راه انداخت تا اوپامای دموکرات که بیشترین تحریم‌های مالی و اقتصادی و نفتی را اعمال کرد و با شناخت از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران حتی در دوران ترامپ هم جمهوری اسلامی ضربه‌ها خواهد خورد و موانعی را در مسیر پیشرفت خود خواهد داشت بنابراین برای جمهوری اسلامی هیچ تفاوتی بین انتخاب دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان نیست و اهداف هر کدام از این احزاب در قبال ملت ایران یکسان و لایتغیر بوده‌است و ما نباید هیلاری کلینتون را بر ترامپ ترجیح دهیم همچنان که از انتخاب ترامپ «نه عزا می‌گیریم، نه شلادی می‌کنیم، برای ما فرقی ندارد». با بررسی سیاست‌ها و رویکردهای رؤسای جمهور آمریکا از دولت دویات آیزنهاور جمهوری‌خواه که با کمک آلن داس رئیس وقت سنیا (من کودتای ۲۸ مرداد را اجرا کردم و شاه را به ایران بازگرداندم) دولت مردمی مصدق



را سرنگون کردند تا دولت باراک اوپامای دموکرات، جمهوری اسلامی همواره زیر فشار آمریکا بوده و در آینده هم خواهد بود، چراکه موجودیت آمریکا در عدم وجود نظام جمهوری اسلامی است. در زمان جان‌اف کندی دموکرات ملت ایران برای استقلال تحریم‌های مالی و اقتصادی و نفتی را اعمال کرد. در همان زمان آمریکا با وحشت از قیام ملت ایران و برای حفظ منافع خود در ایران حمایت و پشتیبانی خود را از شاه اعلام کرد و در تماس تلفنی شاه ایران با کندی، دولت آمریکا بر ادامه حمایت و کمک به شاه ایران جهت سرکوب ملت ایران تأکید می‌کند. بعد از ترور کندی، جانسون کلیددار کاخ سفید شد و وی نیز همانند اسلاف خود بر حمایت از شاه ایران جهت حفظ منافع آمریکا و اقدام علیه ملت ایران تأکید داشت و بر رفتار خشونت‌آمیز شاه ایران نسبت به ملت ایران اصرار می‌ورزید به طوری که از نظر جانسون شاه «ایران تنها حافظ جدی و وفادار منافع ایالات متحده دیگر نمی‌تواند باشد». جیمی کارتر دموکرات که به ادعای خودش «حقوق بشر، روح سیاست خارجی» آمریکا بود با حمایت از کشتار ۱۷

محمدرضا کلهز: تحولات جهان عرب که از سال ۲۰۱۱ شروع شد، ضربه شدیدی بر نظم آمریکایی حاکم بر منطقه وارد کرد. در این دوران، بازیگران منطقه‌ای بعد از مدت‌ها به‌دنبال تغییر نظم حاکم و پیگیری نظم مورد نظر خود بودند. در واقع تا اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، آمریکا نظم مورد نظر خود را در منطقه به‌خوبی به اجرا گذاشته بود اما در این سال اولین ضربه جدی به این نظم وارد شد و نظامیان رژیم صهیونیستی که با حمایت آمریکا در جنوب لبنان بودند، مجبور شدند این منطقه را ترک کنند و به این صورت اولین شکست آمریکا رقم خورد. پس از این شکست، شکست‌های بعدی در عراق و افغانستان نیز رقم خورد. سال ۲۰۰۶ نیز حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه موفق شد استراتژی آمریکا در منطقه را شکست دهد. در نهایت با شروع موج بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ روند شکست‌های آمریکا در منطقه تسریع شد. اما در مقابل نظم مورد نظر آمریکا، نظم ایران قرار دارد که مبتنی بر تقویت محور مقاومت و امنیت منطقه‌ای است. ایران در یک دهه اخیر به‌دنبال برقراری نوعی نظم منطقه‌ای است که در آن به‌جای آنکه بازیگران فرامنطقه‌ای، محور باشند، کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر امنیت منطقه را تأمین می‌کنند. استراتژی ایران در این سال‌ها همواره حمایت از ملت‌های منطقه و مخالفت با دخالت در امور کشورهای دیگر بوده است. با شروع بیداری اسلامی در منطقه، نظم مورد نظر ایران نیز شکل جدیدی به خود گرفت. در واقع بیداری اسلامی باعث تغییر ژئوپولیتیک منطقه شد و نوعی جدید از بازیگران را در منطقه مطرح کرد. بنابراین آمریکا که نظم مورد نظر ایران را رقیب اصلی خود دید، با خلق چندین بحران سعی کرد از پیروزی نظم مبتنی بر نظام مردمسالار جمهوری اسلامی جلوگیری کند. برای این منظور، آمریکا در ۴ کشور عراق، سوریه، یمن و لبنان به‌طور خاص برنامه راهبردی داشت اما نتیجه، آنگونه که اتاق‌های فکر آمریکا پیش‌بینی کرده بودند، رقم نخورد.

- جنگ عراق و سوریه**

آمریکا به همراه برخی کشورهای منطقه‌ای که مجریان نظم مورد نظر آمریکا در جهان اسلام هستند، سعی کرد ۴ کشور عراق و سوریه را که در استراتژی ایران این منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارند، مورد هدف قرار دهد. سوریه در سال‌های متوالی از سویی همچون خاکریزی گسترده در مقابل تجاوزات صهیونیست‌ها پایانداری کرده

ایران را مورد تحریم‌های جدیدی قرار دادند و برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران تحریم‌های جدیدی را وضع کردند. به طور کلی سیاست‌های ثابت آمریکا در قبال ملت ایران عوض شدن رئیس جمهور هرگز تغییر نمی‌کند بلکه روش‌های اعمال و ابزارهای آن عوض می‌شود به‌طوری که در دوره جورج واکر بوش جمهوری‌خواه دولت آمریکا برای مهار قدرت ایران و فشار بر ملت ایران بحث پرورنده هسته‌ای را در دستور کار خود قرار داد و با قرار دادن ایران در لیست «محور شرارت» تحریم‌های شدیدتری را علیه ایران اعمال کرد. اما وضع تحریم‌ها با رویکرد سخت‌تر و شدیدتر و بیشتر از قبیل در دوره باراک اوپاما که از حزب دموکرات به ریاست‌جمهوری رسیده بود علیه انقلاب اسلامی و ملت ایران اعمال شد. اوپامای دموکرات با سلاح تحریم اقتصادی و نفتی به مقابله سا جمهوری اسلامی آمد؛ جمهوری اسلامی‌ای که در منطقه «سیاست‌های امپریالیستی» آمریکا را به چالش کشیده و به کشورهای دیگر منطقه نیز نشان داده که «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». با نگاه اجمالی به سیاست‌های رؤسای جمهور آمریکا در برابر ایران می‌توان به این نتیجه رسید که همه رؤسای جمهور آمریکا و نامزدهای انتخاباتی آمریکا در برخورد و مقابله با جمهوری اسلامی و ملت ایران اتفاق نظر دارند چه هیلاری کلینتون دموکرات که بیشترین و سخت‌ترین تحریم‌ها را در دوران وزارتش برای فلج کردن ایران وضع کرد و بسیاری از تحلیلگران از آن به عنوان «جنگ اقتصادی» نام می‌برند و چه ترامپ جمهوری‌خواه که در فساد اخلاقی غوطه‌ور است. به هر حال تا چند هفته دیگر ترامپ در قامت رئیس جمهوری آمریکا وارد کاخ سفید خواهد شد در حالی که عدای از «تجدیدنظرطلبان» در ایران عزا و ماتم گرفته‌اند که با اوپاما و تیمش بهتر می‌توانستیم معامله کنیم در حالی که این افراد بدون داشتن «بصیرت سیاسی» و بدون شناخت دشمن به این تحلیل‌های غلط می‌رسند، چرا که به تعبیر رهبر انقلاب، آمریکایی‌ها «مشت آهنین در دستکش مخملی» دارند و مطالبات آنها از جمهوری اسلامی حد یقینی ندارد به طوری که دموکرات‌ها از پشت خنجر می‌زنند و جمهوری‌خواهان از جلو. آنچه جریان مومن به انقلاب اسلامی باید بداند این است که برای جمهوری اسلامی هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ هیچ فرقی نمی‌کرد و از انتخاب ترامپ نه عزا می‌گیریم و نه شلادی می‌کنیم بلکه باید در برابر آمریکایی‌ها چه دموکرات و چه جمهوری‌خواه که «هیچ خبری که نرسانندند و ناامنا نیز شر آنها متوجه ملت ایران بوده‌است» و مهم‌تر از آن «جریان غیرانقلابی درون نظام» که همواره سرشارش با استکبار را دارد ایستاد و با اتکا به الطاف الهی و حفظ روحیه انقلابی و جهت‌گیری انقلابی و حفظ استحکام داخلی، نظام جمهوری اسلامی را از مشکلات فعلی و خطرات احتمالی عبور داد و ایران اسلامی را به قله‌های پیشرفت و اقتدار رساند.

برای دفاع از سوریه و افزایش قدرت و پایگاه اجتماعی انصالله یمن، نشانه‌های واضحی از شکل‌گیری این کنشگران جدید منطقه هستند؛ کنشگرانی که مدل عمل سیاسی آنان به الگوی مبارزاتی و عمل سیاسی انقلاب اسلامی شباهت‌های زیادی دارد و حتی می‌توان آنها را مولود انقلاب اسلامی دانست. تا پیش از بیداری اسلامی، حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی با پیروزی‌های خود در برابر اسرائیل، منطبق جمهوری اسلامی در منطقه را که همانا حمایت از امنیت منطقه‌ای بود، بر اسرائیل تحمیل می‌کردند. تحولات سال‌های اخیر، بازیگران جدیدی را نیز به این عرصه وارد کرده است که کشورهای غربی پشتد از آنها هراس دارند. گزارش‌های محرمانه حاکی از آن است که اسرائیل و عربستان همکاری‌های تکنالوژی اطلاعاتی برای مقابله با حزب‌الله، انصالله و حشدالشعبی دارند. براساس گزارش پایگاه فرانسوی «پنتلیجنس آنلاین» هم‌اکنون ده‌ها سال است روابط بین اسرائیل و عربستان و سایر کشورهای خلیج‌فارس به‌صورت محرمانه وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد پس از توافق هسته‌ای ایران، این روابط در روند تقویت و اشکارسازی قرار گرفته‌است. براساس اطلاعاتی که در اختیار سایت «پنتلیجنس آنلاین» قرار گرفته است، عوامل سرویس اطلاعاتی سعودی (GPI) که مسوؤل همکاری اطلاعاتی با «موساد» و «امان» هستند، هم‌اکنون در بهترین شرایط خود قرار دارند. هرگز چنین همکاری فعالی بین رژیم در زمینه «تجزیه‌وتحلیل اطلاعات»، «اطلاعات اسنایی» و «رهگیری تکنولوژیک» (سایبر) در ارتباط با ایران و جنبش‌هایی همانند حزب‌الله، انصالله و یگان‌های «حشدالشعبی» وجود نداشته است. همکاری بدون محدودیت بین ریاض و تل‌آویو، محرکی برای سرویس‌های اطلاعاتی سایر کشورهای عربی جهت ایجاد و توسعه ارتباط با اسرائیل است. این امر نشان‌دهنده میزان تأثیر‌گذاری این گروه‌هاست. در مجموع می‌توان گفت با بررسی روند یک دهه اخیر می‌توان به این نتیجه رسید که نظم مورد نظر آمریکا در منطقه، نه‌تنها از قدرت پیشین برخوردار نیست، بلکه در عرصه‌های مختلف در برابر منطق و نظم ایران، شکست خورده است. آمریکا اکنون به این نتیجه رسیده است که منطقه غرب آسیا تغییر کرده است و ایران را نمی‌توان در نظم جدید منطقه‌ای کنار گذاشت. شاید یکی از دلایل اینکه آمریکا سیاست چرخش به شرق آسیا را انتخاب کرده‌است، به شکست سیاست‌های منطقه‌ای این کشور مرتبط باشد.

منبع: khamenei.ir

پاورقی ۳
تاریخ مشروطه <p>■ دکتر موسی نجفی ■</p> <div>البته شایان ذکر است که بررسی تحولات اندیشه‌ها، بدون در نظر گرفتن تحولات تاریخی و بررسی دقیق وقایع ناقص خواهد بوده، و از جمله روش‌های بایسته و قابل اطمینان در تحقیقات فکری، آن است که بررسی اندیشه‌ها را از متن وقایع و در خلال گزارش‌های دقیق تاریخی دنبال کنیم، چرا که در پی برخی مباحث تاریخی می‌توان به نوعی مباحث و اندیشه‌های فراتاریخی دست یافت. در این تحقیق هرچند به متن وقایع و تحولات اشنارهای نداریم، در فرآز‌هایی برای بحث زمینه‌های فکری بدان موارد توجه داریم و در مواردی بدان‌ها اشاره می‌کنیم. البته در پار‌های از مباحث، به دلیل وضوح و وفور اسناد و مدارک و متون قابل اعتماد، مباحث فکری مستقیماً و منحصرأ ذکر شده است.</div> <p>■ نظری بر موضع دین و دولت در عصر صفویه، افشاریه و قاجاریه</p> <div>از نظر پیشینه تاریخی شکی نیست که جریان مذهبی به زعامت علما لاقلاً از دوران آغاز صفویه در ایران ریشه ممتد و پایدار داشته است؛ بویژه آنکه بعد از هجرت بزرگانی مانند «مقدس‌اربدیلی» به نجف اشرف، بسیاری از زعماء پیشوایان شیعه یا از ایران بوده یا به نحوی به ایران شیعی مرتبط و مربوط شده‌اند. هرچند که تعارضات مذهبی بین «فقها»، «صفویه» و «فلاسفه» در طول دوران صفویه وجود داشته و گاه تعارضات به جمع بین عقاید مختلف و گاه به معارضات جدی‌تری می‌انجامیده، در هر حال بسیاری از امور اجتماعی، دینی و فکری مردم را علما انجام می‌داده‌اند؛ از جمله مسائل مربوط به قضا، امور خیریه و اوقاف، نماز جمعه و بسیاری دیگر از مسائل دینی و اجتماعی.</div> <div>در دوران سلطنت نادرشاه که بعد آشوب و فتنه افکن صورت گرفت، در فاصله سال‌های ۱۱۴۲ تا ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ هجری قمری، با توجه به سیاست تقرب‌ی نادر، به‌تدریج از قدرت علما کاسته شد و درگیری و تشنجات زیادی بین علما و نادر به‌وجود آمد و با توجه به عمق تعمیق تشیع در جامعه ایران بعد از ۲ قرن، کم‌کم نفرت عمومی از نادر بالا گرفت، و سرداری که بعد از بیرون کردن پرخورد و قهرمان محبوب ملی بود، به جهت برخورد و ستیز با تشیع، و ظلم زیاد به مردم در سالیان آخر سلطنتش، به‌صورت منفورترین فرد درآمد. در ابتدای دوران قاجاریه روابط دین و دولت به نحوی ترمیم شد؛ آنچنانکه این روابط نه به سردی نادر و نه به گرمی دوران صفویه بود. با توجه به ضعف دستگاه حکومتی قاجار بویژه بعد از قرارداد ترکمنچای و به دنبال رقابت خردکننده دولت‌های استعماری در ایران و نیز با توجه به اینکه قاجارها از ابتدا نه با حمایت مردمی و ملی – عقیدتی بلکه به صورت یک ایل فاتح در صحنه سیاسی ایران ظهور کردند، همچنین با توجه به فشاری که آنها بر ملت وارد می‌کردند و ضعف سیاست آنها در برابر دولت‌های خارجی و اعطای امتیازات کشور به آنها، تنها ملجأ و پناه مردم در برابر ظلم و ستم، منزل و بست و حریم علما شده بود. در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ هجری قمری، در پی قیام تنباکو و تثبیت هرچه بیشتر رهبری سیاسی علما علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی، ورود علما و مجتهدان شیعه در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم، جلوه‌های بارز و ملموس‌تری یافت. همچنین به دنبال موفقیت عظیم اسلامی– ملی لغو امتیازنامه «رزی» و شکست خوارکننده استعمار انگلیس، تحریکات سواران حوزه‌های دینی و نویسندگان مذهبی هر روز جلوه بیشتری پیدا کرد. اگرچه این تحریکات و وضعیت روحی بالای رهبری علما، بعد از رحلت مرجع علی‌الاطلاق شیعه یعنی «آیت‌الله میرزای شیرازی(ره)» به سال ۱۳۱۳ هجری قمری، مدتی دچار وقفه شد، در هر حال جرقه‌ای که با اندیشه و همت میرزا در حوزه‌ها، روحانیت و مردم به‌طور کلی در همه آحاد و طبقات ملت شیعه زده شد، بارقه‌اش خیلی زود ابعاد گسترده‌تری یافت. در این‌باره حتی شاهدیم که دشمنان شناخته شده علما نیز به این تأثیر مهم مترفند. چنانکه یحیی دولت‌آبادی– از اشخاص منتسب به فرقه ضاله و نویسنده کتاب حیات یحیی– در این‌باره می‌نویسد: «به هر صورت دخالت اضطرابی میرزای شیرازی در امر سیاست اگرچه برای حفظ استقلال مملکت و نگاهداری از تجاوزات بیگانگان بسی سودمند بود، ولیکن بذری در مزرعه روحانیت پاشیده شد که معلوم نیست چه حاصلی برویاند و چه نتیجه‌ای در آینده برای سیاست روحانیت این مملکت داشته باشد و کدام دست قوی بتواند این خلط و مزج را برهم زده، هر یک از ساینسون و روحانیان را به ادای وظیفه خود وا دارد…».</div> <p>ادامه دارد</p>